

Research Article

doi: [10.71633/jshsp.2025.1032358](https://doi.org/10.71633/jshsp.2025.1032358)

Structural-Interpretive Modeling of the Impact of Urban Management Performance Dimensions on Urban Sustainability (Case Study: Urmia City)

Reza Dadashpour¹, Hassan Ahmadzadeh*² & Reza Valizadeh³

1. Ph.D Student, Department of Geography & Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

2. Assistant Professor, Department of Geography & Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

3. Assistant Professor, Department of Geography and Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

* Corresponding author: Email: h_ahmadzadeh@iaut.ac.ir

Receive Date: 15 July 2023
Accept Date: 16 October 2023

ABSTRACT

Introduction: Urban management means-controlled planning to achieve efficiency and equality in urban development. Urban management is not only the management of urban facilities and organizations but also the management of the process of urbanization, urban development, and urban affairs in such a way that urban facilities work together.

Research Aim: The purpose of this research is to investigate the dimensions and indicators that determine and influence the performance of urban management in the field of sustainable development in Urmia City.

Methodology: The current study is based on a practical purpose and is descriptive research in terms of the method. The statistical population of this research included experts and city managers in Urmia city. In this research, to provide information, the functional dimensions of urban management effects on the sustainable urban development process of Urmia were first identified through the Delphi method, using the opinions of experts including university professors, experts and managers, and planners in the field of urban management. Then, the obtained information was analyzed using interpretive-structural modeling (ISM) and finally, using MICMAC analysis, the type of variables was determined according to the degree of influence and effectiveness on other variables. In this technique, the mutual effects of the desired components of the research are analyzed using different methods and through the construction of a matrix. It is necessary to explain that the present technique is among semi-quantitative and exploratory methods.

Studied Area: The geographical territory of this research is the city of Urmia.

Results: The results of this research showed that identity and belonging to a place, diversity, and security and safety have the highest influence with the penetration power of 12, 10, and 10, respectively, and access criteria, air, sound, and visual pollution, cleanliness and waste, and green space have the least influence. have had in the field of urban, management performance in the field of sustainable urban development.

Conclusion: Also, at the level of dimensions, the results showed that socio-cultural dimensions and then the physical dimension are the basic levels of urban management performance in the field of sustainable urban development of Urmia, and any plan and action for the beginning and sustainable development of Urmia should play a key and basic role.

KEYWORDS: Urban Management, Performance, Sustainable Urban Development, Interpretive-structural Modeling, Urmia



فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی
دوره ۱۹، شماره ۴ (پیاپی ۶۹)، زمستان ۱۴۰۳
شاپای چاپی ۵۹۶۸-۲۵۳۵ شاپای الکترونیکی ۵۹۵۸-۲۵۳۸
<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>
صص. ۵۹-۴۵

doi: 10.71633/jshsp.2025.1032358

مقاله پژوهشی

مدلسازی ساختاری - تفسیری اثر گذاری ابعاد عملکرد مدیریت شهری بر پایداری شهری (مطالعه موردی: شهر ارومیه)

رضا داداش پور^۱، حسن احمدزاده^{۲*} و رضا ولی‌زاده^۳

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، گروه جغرافیا، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۲. استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۳. استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

* نویسنده مسئول: Email: h_ahmadzadeh@iaut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۲۴ تیر ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۴ مهر ۱۴۰۲

چکیده

مقدمه: مدیریت شهری به معنای برنامه‌ریزی کنترل شده برای دستیابی به کارایی و برابری در توسعه شهری است. مدیریت شهری تنها مدیریت تاسیسات و سازمان‌های شهری نیست، بلکه مدیریت فرآیند شهرنشینی، توسعه شهری و امور شهری است به گونه ای که امکانات شهری با هم کار کنند.

هدف: هدف از پژوهش حاضر، بررسی ابعاد و شاخص‌های تعیین کننده و تأثیرگذار بر عملکرد مدیریت شهری در زمینه توسعه پایدار در شهر ارومیه است.

روش‌شناسی تحقیق: جامعه آماری این پژوهش شامل کارشناسان و مدیران شهری در شهر ارومیه بود. در این پژوهش برای تهیه اطلاعات، ابتدا از طریق روش دلفی ابعاد عملکردی مدیریت شهری مؤثر بر روند توسعه پایدار شهری ارومیه، با استفاده از نظرات خبرگان شامل اساتید دانشگاه، کارشناسان و مدیران و برنامه‌ریزان حوزه مدیریت شهری، شناسایی شد. سپس اطلاعات بدست آمده با استفاده از مدل‌سازی ساختاری-تفسیری (ISM) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در نهایت با استفاده از تحلیل MICMAC، نوع متغیرها با توجه به میزان اثرگذاری و اثرپذیری بر سایر متغیرها مشخص شده است. در این تکنیک، آثار متقابل مؤلفه‌های موردنظر تحقیق با استفاده از روش‌های مختلف و از طریق ساخت یک ماتریس مورد تحلیل قرار می‌گیرد. لازم به توضیح است که تکنیک حاضر در زمره روش‌های نیمه کمی و اکتشافی قرار دارد.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: قلمرو جغرافیایی این پژوهش، شهر ارومیه می‌باشد.

یافته‌ها: نتایج این پژوهش نشان داد، هویت و تعلق خاطر مکانی، تنوع و امنیت و ایمنی به ترتیب با میزان قدرت نفوذ ۱۲، ۱۰ و ۱۰ بیشترین تأثیر و معیارهای دسترسی، آلودگی‌های هوا، صوتی و بصری، نظافت و پسماند و فضای سبز کمترین تأثیر را در زمینه عملکرد مدیریت شهری در زمینه توسعه پایدار شهری داشته‌اند.

نتایج: در سطح ابعاد، نتایج نشان داد که ابعاد اجتماعی - فرهنگی و سپس بعد کالبدی سطوح پایه‌ای عملکرد مدیریت شهری در زمینه توسعه پایدار شهری ارومیه بوده و هر گونه برنامه و اقدام برای سرآغاز و توسعه پایدار شهر ارومیه، باید به نقش کلیدی و پایه‌ای این عوامل توجه نماید.

کلیدواژه‌ها: مدیریت شهری، عملکرد، توسعه پایدار شهری، مدلسازی ساختاری - تفسیری، ارومیه

مقدمه

در دهه‌های گذشته، افزایش سریع جمعیت، توأم با گسترش سریع شهرنشینی و شهری شدن، مشکلات زیادی را در سکونتگاه‌های شهری مختلف دنیا به ویژه برای مدیران و سیاست‌گذاران شهری به وجود آورده است. مطابق با گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۰۷ حدود ۳/۵ میلیارد از جمعیت کل دنیا در شهرهای مختلف دنیا زندگی می‌کردند که این جمعیت تقریباً برابر با نیمی از جمعیت کل دنیا در آن سال بود. همچنین مطابق با پیش‌بینی انجام شده توسط آن سازمان، در سال ۲۰۳۰ جمعیت ساکن در شهرهای مختلف دنیا به ۶۵ درصد از کل جمعیت دنیا و در سال ۲۰۵۰ این میزان به ۷۰ درصد خواهد رسید (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۶؛ عبدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۰)، که این موارد باعث ایجاد چالش و ایجاد تنگناهایی در مدیریت شهری به ویژه در کشورهای در حال توسعه در زمینه توسعه شهری در مسیر پایداری خواهد شد (زندیه، ۱۳۹۶: ۶۰). از طرفی دیگر، شهرها موجودیتی پویا و پیچیده دارند و در بسیاری از منابع مختلف به‌عنوان یک فرآیندی چندبعدی تعریف شده که طی این پویایی تعداد زیادی از مردم با سرعت تقریباً بالایی در یک منطقه جغرافیایی نسبتاً کوچک متمرکز شده و شهرها را تشکیل داده و خواهند داد. لذا، این رشد بالا باعث بالارفتن فشار بیشتر یا اضافی بر منابع مختلف شهری (زیرساخت‌ها و منابع طبیعی) شده و باعث ایجاد نقاط کانونی حساسی خواهد شد که نگرانی برنامه‌ریزان و مدیران شهری که مسئول برنامه‌ریزی در زمینه توسعه پایدار شهری هستند، را خواهد برانگیخت (خوارزمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۲۰؛ شایان^۱ و همکاران، ۲۰۲۰: ۱). مدیریت شهری یعنی برنامه‌ریزی کنترل شده برای دستیابی به کارآمدی و برابری توسعه شهری. مدیریت شهری تنها مدیریت تأسیسات و سازمان‌های شهری نیست، بلکه مدیریت فرآیند شهرنشینی، توسعه شهری و انجام امور شهری است به گونه‌ای که تأسیسات شهری باهم هماهنگ کار کنند تا کارآمدی واحدهای فضایی شهر (شهر پویا) در سطوح مختلف نظام و بخش‌های شهری به روش دلخواه و در جهت توسعه پایدار حفظ شود (مرادی مکر و حیدری کیا، ۱۳۹۷: ۱۰۰). مدیریت شهری روند توسعه، اجرا، هماهنگ‌سازی و ارزیابی راهبردی یکپارچه است که با کمک کنش‌گران شهری و با در نظر گرفتن اهداف بخش خصوصی و منافع شهروندان در چارچوب سیاسی اجرا می‌شود که در سطح عالی دولت برای دستیابی به توسعه اقتصادی پایدار مشخص شده است (Dijk & Pieter, 2006: 39). عناصر اصلی توسعه شهر پایدار افزایش منابع اجتماعی، به حداقل رساندن مصرف منابع طبیعی، کارآمدی استفاده از فضاهای شهری از طریق بسیج شهروندان و مسئولین است. یک شهر پایدار با در نظر گرفتن توان زیست محیطی، به نیاز اقتصادی - اجتماعی ساکنانش پاسخ می‌دهد. نمود توسعه پایدار شهری در این است که همه مردم و ساکنین آن از همه گروه‌ها، از حقوق و امکانات برابر استفاده نموده و همچنین مسوولیت فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌هایی که بر محیط زندگیشان تأثیر می‌گذارد، را بپذیرند (Rafieian et al., 2008: 118). به این ترتیب وجود و تحقق معیارهایی نظیر هویت، سرزندگی، پویایی، تأمین تجهیزات و خدمات، تنوع و دسترسی مناسب می‌تواند از ضرورت‌های یک شهر و یا محله‌ای از یک شهر پایدار باشد (عزیزی، ۱۳۸۵: ۳۹). متأسفانه امروزه شهرها علی‌الخصوص در شهرهای کشورهای جهان سوم همچون ایران نه بر پایه هویت اصیل خود بلکه بر پایه بی‌نظمی، بی‌منطقی، یکنواختی و استفاده بدون اندیشه از الگوهای مدرن، بدون توجه به الگوهای بومی در حال شکل‌گیری و گسترش‌اند (خستو و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۹: ۶۴)، و این عامل سبب شده فضاهای شهری نامنظم و بی‌هدف و بی‌روح به‌وجود آیند در نتیجه بر روی کیفیت زندگی افراد حاضر در آن تأثیر نامساعد بگذارد. در آخرین آمارگیری نفوس و مسکن کشور (۱۳۹۵) جمعیت شهر ارومیه برابر با ۱۰۴۰۵۶۵ نفر است. به عبارتی در طول شصت سال (سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵) جمعیت شهر بیش از ده برابر گردیده (جمعیت سال ۱۳۳۵ برابر با ۶۷۶۵۰ بوده) که این مورد نشان از روند رو به رشد و جمعیت‌پذیری این شهر در طی سال‌های متمادی است. در جهت تأمین فضای مناسب برای این افزایش جمعیت، به ناچار در طول سالیان برنامه‌ریزان و مسئولین شهری دست به تأسیس محلات جدید یا مجتمع‌های مسکونی جدید در دل محلات قدیمی و همچنین ایجاد شهرک‌های جدید در اطراف و حومه شهر زده‌اند. همچنین، از آنجا که ضعف سرزندگی محلات می‌تواند در افزایش مهاجرت‌های درون شهری موثر باشد و باعث می‌شود که محلات از نظر اجتماعی، کالبدی و اقتصادی فرسوده شوند. بنابراین یکی از مهمترین راه‌حل‌هایی که مدیریت شهر برای نیل به توسعه پایدار شهری و در جهت ارتقا اقتصادی و اجتماعی محلات در نظر گیرد، توجه به بحث پایداری شهری می‌باشد. بنابراین، براساس موارد گفته شده می‌توان گفت هدف اصلی این مطالعه بررسی اثرگذاری عملکرد مدیریت شهری بر پایداری مناطق شهری ارومیه خواهد

بود و در این راستا، سعی خواهد شد به سوال اصلی مطالعه یعنی "وضعیت اثرگذاری عملکرد مدیریت شهری در زمینه شاخص‌های پایداری شهری ارومیه چگونه است؟" پاسخ داده شود.

مدیریت شهری به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها برای شکل‌دهی و هدایت اجتماعی، فیزیکی و توسعه اقتصادی مناطق شهری است (توکلی‌نیا و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۹). مدیریت شهری را می‌توان به مانند یک درخت تشبیه کرد که ترکیبی از اجزاء و قسمت‌های مختلف یک مجموعه که به یکدیگر وابسته‌اند و روابط متقابل میان آنها به شکل خاصی نظام یافته است (دوپران و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۵). اگرچه لازم به توضیح است، باتوجه به اینکه شهر دارای نظامی باز بوده، لذا به نظر می‌رسد مدیریت شهری بیشتر حیطه کالبدی را دربر می‌گیرد. پس می‌توان عنوان کرد که هدف کلان مدیریت شهری، ایجاد محیطی قابل زندگی برای همه و همراه با عدالت اجتماعی، کارایی اقتصادی و پایداری زیستمحیطی است (سالاری‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۲). ویلیامز مدیریت شهری را یک تئوری و چشم انداز نمی‌داند، بلکه آن را چارچوب و پایه و اساس مطالعات شهر می‌داند. او اضافه می‌کند که مدیریت شهری ارتباط قوی و تنگاتنگ با ماهیت شهر از یک طرف و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی از طرف دیگر دارد، همچنین مدیریت شهری با سازمان‌های دولتی که در شهر خدمات ارائه می‌دهند و مردم شهر ارتباط تنگاتنگی دارد (کاظمیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲). همچنین، ویلیز "اعتقاد دارد مدیران شهری و مدیران محلی عهده‌دار انتخاب و تصمیم‌گیری در مورد ارزش‌های اجتماع شهری (محلی) در اتخاذ تصمیماتی است که مستقیماً پایداری شهرها را از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و زیستمحیطی تحت تاثیر قرار می‌دهد. بنابراین بهترین نقطه شروع حرکت به سوی پایداری محسوب می‌گردند. یقیناً تمام حاکمان عمیقاً به ارزش دموکراسی محلی آگاهی و باور دارند. دموکراسی محلی در دستیابی به پایداری در شهرها نقشی مهم ایفا می‌کند (Willis, 2006: 13). مدیریت شهری به مثابه بخشی از سلسله مراتب سیستم فضایی، تقسیمات سیاسی و جغرافیایی هر کشور بوده که بر اساس مؤلفه‌های مختلفی مانند نوع حکومت، مدیریت، سطح آگاهی، علاقه‌مندی، اجتماعی، و مشارکت مردم در نظام تصمیم‌گیری و ... شکل گرفته است. مدیریت شهری باهدف اداره مطلوب امور شهر سعی دارد روابط میان عناصر شهری را هماهنگ کند (خوارزمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۲۲). از طرفی، مهمترین هدف مدیریت شهری را می‌توان عواملی مانند ارتقای شرایط کار و زندگی افراد ساکن در شهر دانست. این افراد در قالب اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی می‌باشد. همچنین موارد دیگری از جمله حفاظت از حقوق شهروندان، تشویق به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفاظت از محیط کالبدی از اهداف دیگر مدیریت شهری می‌باشد (سعیدنیا، ۱۳۸۲: ۴۹). محمدی‌فر و علوی نسب، ۱۳۹۳: ۵؛ خلیل‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۹. شهرداری و شورای اسلامی شهر دو رکن اصلی مدیریت شهری در ایران می‌باشند. بجز این دو که وظیفه اصلی و قانونی آنها سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تمشیت امور شهر می‌باشد، نهادهای دیگر وجود دارند که در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی عمل نموده و وظایف و عملکرد آنها در ارتباط با شهر و مدیریت شهری می‌باشد و لزوماً به هنگام تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برای شهر و حتی اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها باید به برنامه‌ها، طرح‌ها و حوزه عملکرد این نهادها توجه داشت (لطفی، ۱۳۸۸: ۱۰۳). وظایف مدیریت شهری در ایران را می‌توان شامل مواردی از قبیل آماده‌سازی زیرساخت‌های اساسی برای عملکرد کارآمد شهرها؛ آماده سازی خدمات لازم برای توسعه منابع انسانی، بهبود بهره‌وری و بهبود استانداردهای زندگی شهری؛ تنظیم فعالیت‌های تاثیرگذار بخش خصوصی بر امنیت؛ سلامتی و رفاه اجتماعی جمعیت شهری و آماده ساختن خدمات و تسهیلات لازم برای پشتیبانی فعالیت‌های مولد و عملیات کارآمد موسسه‌های خصوصی در نواحی شهری (خلیل‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۰).

توسعه پایدار شهری که در معنای عذام خود رشد و گسترش همه جانبه و بدون تعارض و تناقض معنا می‌شود، با دو هدف عمده الف) ارتقای کیفیت زندگی با لحاظ ظرفیت محیط زیست و ب) پاسخ‌گویی به نیازهای نسل حاضر بدون محدودیت برای آیندگان، تعریف می‌شود. اگر چه توسعه پایدار در ابتدا با بحث‌های محیط‌زیست آغاز شد، اما از این حیطه پای فراتر گذاشت و در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به صورت جدی بیان گردید. در واقع مفهوم توسعه پایدار محدوده مشترک حوزه‌های ذکر شده است (محمدی ده‌چشمه، ۱۴۰۰: ۱۱۱). نظریه توسعه پایدار شهری موضوع‌های جلوگیری از آلودگی‌های محیط شهری و ناحیه‌ای، کاهش ظرفیت‌های تولید محیط محلی، ناحیه‌ای و ملی، حمایت از بازیافت‌ها، عدم حمایت از توسعه‌های زیان‌آور و از بین بردن شکاف میان فقیر و غنی را مطرح می‌کند. همچنین راه رسیدن به این اهداف را با برنامه‌ریزی‌های شهری، روستایی، ناحیه‌ای، ملی که برابر با قانون کنترل بیشتر در شهر و روستاست می‌داند. این نظریه به مثابه دیدگاهی راهبردی به نقش دولت در این برنامه‌ریزی‌ها اهمیت بسیاری می‌دهد و معتقد است دولت‌ها باید از محیط زیست شهری همه جانبه حمایت کنند (بدیعی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۹). با وجود نگرش‌های متفاوت به مفهوم توسعه پایدار و برداشت‌های مختلف از آن، اصل تعادل و برابری میان سه بعد زیستمحیطی،

اجتماعی و اقتصادی مورد توافق همگان است. در واقع توسعه پایدار شهری، یک فرایند پویا و بی‌وقفه در پاسخ به تغییر فشارهای اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی است (Houghton & Hunter, 2005: 20). بنابراین شهر پایدار نه از طریق شیوه‌های اقتدارگرایانه و از "بالا"، بلکه به گونه‌ای مردم سالارانه و از "پایین" ساخته می‌شود. علی‌رغم نخستین، تعریفی که از توسعه پایدار ارائه شد، توسعه‌ای که نیازهای امروزی ما را بدون کاستن از توانایی‌های نسل‌های آینده بکاهد، تاکنون بیش از ۳۰۰ مورد تعریف با دیدگاه‌های مختلف از توسعه پایدار انجام شده است. در واقع هدف از توسعه پایداری شهری، ایجاد شهری سالم و همسو با نیاز تمامی شهروندان که مکانی مناسب برای استفاده و بهره‌مندی از انرژی به شمار آید (سالاری پور و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱۰) براساس آنچه که گفته شد، توسعه پایدار شهری شکلی از توسعه‌ی امروزی که توان توسعه‌ی مداوم شهرها و جوامع شهری نسل‌های آینده را تضمین کند، است و در این نوع توسعه ملاحظات سه گانه، محیطی، اقتصادی و اجتماعی در کنار هم لحاظ خواهد شد. مؤلفه‌های توسعه پایدار انسان، کودکان و جوانان، محیط‌زیست، زنان، فرهنگ، آموزش، علم، اخلاق، امنیت، مشارکت و حکمرانی محلی مطلوب ذکر شده است (فروغیان، ۱۳۸۸: ۴۱). به همین ترتیب، مشخصات کلیدی پایداری شهری: برابری بین نسل‌ها، برابری درون نسل‌ها حفاظت از محیط طبیعی، استفاده‌ی حداقل از منابع تجدیدنشدنی، بقای اقتصادی و تنوع، جامعه خود اتکا، رفاه فردی و رفع نیازهای اساسی افراد جامعه عنوان شده است (کابلی فرشچی، ۱۳۹۲: ۲).

مهم‌ترین عوامل در رسیدن به توسعه پایدار عبارتند از: الف) نیاز به تغییر نهادهای موجود و ایجاد نهادهای جدید؛ ب) اولویت دادن به سرمایه‌ی انسانی به ویژه زنان و جوانان در جهت پایداری توسعه؛ ج) نقش رهبری در به دوش کشیدن و بالا بردن تلاش توسعه‌ای از بالا؛ د) نقش سازمان‌های مدنی اجتماعی برای پیش‌راندن توسعه از پایین به بالا؛ ه) اهمیت حقوق بشر و مفهوم و هدف گسترده‌ی آن؛ ر) آمیختن توسعه با ساختار اجتماعی و فرهنگی و ز) ارتباط درونی میان پایداری توسعه و اعتماد به نفس (صدائتی و فارسی، ۱۳۹۵: ۲۴۳). امروزه باتوجه به اینکه شهرها محل تجمع انسان‌ها بوده و این افراد دارای تأثیر زیادی بر کل اقتصاد ملی هر کشور دارند، لذا باید به مسائل و مشکلات آنها توجه بیشتر و دقیق‌تر کرد؛ زیرا در حالتی که برنامه‌ریزی دقیق و درست، سبب رشد اقتصادی، تثبیت سیاسی و افزایش مشارکت شهروندان در امور شهرها می‌گردد، شکست در رفع مشکلات و مسائل شهری نیز سبب رکود اقتصادی، نارضایتی‌های اجتماعی و سیاسی، فقر، بیکاری و تخریب محیط‌زیست خواهد شد (سعیدرضوان و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۵). در این میان، یکی از مهمترین نقش‌ها بر عهده مدیریت شهری است و باید باتوجه به وظایف محوله که عبارتند از: الف) مدیریت و بهبود سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی؛ ب) ارائه و توزیع خدمات اجتماعی؛ ج) ارتقای رشد اقتصادی و بهبود شرایط زندگی مردم و د) برنامه‌ریزی استراتژیک که مشکلات را رفع کند و منجر به توسعه‌ای که در آن اهداف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی در پیوند با هم قرار بگیرند، شود (شمس‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۷). تاکنون در زمینه عملکرد مدیریت شهری و شاخص‌های مرتبط با آن بررسی‌های مختلفی در سطح جهانی و به تبع آن در کشور ما انجام گرفته است. برای تفهیم هر چه بیشتر مسئله، به برخی از آنها در ادامه اشاره می‌شود. مرادی‌مکر و حیدری کیا (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای با هدف بررسی مدیریت شهری و نقش آن در توسعه پایدار شهری در شهر اسدآباد پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد، مدیریت شهری در دستیابی به پایداری شهر اسدآباد دارای تأثیر مثبت و معنا داری بوده همین‌طور همکاری‌ها و تعامل مدیران شهری در ارتقا شاخص توسعه پایداری شهرتأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین، نصراللهی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای نقش مدیریت شهری را در توسعه پایدار شهری با تأکید بر جایگاه شهرداری‌ها مورد بررسی قرار داد. نتیجه مطالعه وی نشان داد که رسیدن به توسعه پایدار شهری نیازمند به کارگیری ابزارها و سلیقه‌ها و نیروهای متفاوت تشکیل دهنده سیستم شهر است. در مدیریت شهری، شهرداری اداره امور شهر و شهروندان، مشارکت در اجرای امور و قوانین، شورای اسلامی شهر، نظارت و هماهنگی بر فعالیت‌ها و بخش خصوصی و پشتیبانی و همکاری با سازمان‌های مذکور عهده‌دار است که در نتیجه این همکاری‌ها و هماهنگی‌ها منجر به توسعه و عمران شهر می‌شود. ارتقاء مشارکت شهروندی، تمرکززدایی فعالیت‌ها، ایجاد مدیریت یکپارچه شهری، افزایش اعتماد شهروندان، آگاه‌سازی و آموزش شهروندی از جمله فعالیت‌های مؤثری است که شهرداری‌ها در راستای تحقق توسعه پایدار شهری می‌توانند به کار گیرند. خوارزمی و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای با هدف بررسی تأثیرگذاری اقدامات مدیریت شهری بر زیست‌پذیری شهر مشهد نشان داده‌اند، از جهت نحوه تأثیرگذاری اقدامات مدیریت شهری بر زیست‌پذیری، در منطقه ۶ شاخص خدمات بر زیست‌پذیری (دسترسی، محیط‌زیست، مسکن، بهداشت و درمان) تأثیر زیاد و دارای رابطه مستقیم است. در منطقه ۹ شاخص سرمایه‌گذاری با هر پنج شاخص زیست‌پذیری (دسترسی، محیط‌زیست، مسکن، بهداشت - درمان، امنیت) دارای تأثیر قوی و رابطه مستقیم می‌باشد.

سالاری پور و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای به ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در تحقق توسعه پایدار زیست‌محیطی شهر رشت پرداختند. نتایج نشان داد که رضایت شهروندان شهر رشت از عملکرد مدیریت شهری در حوزه مدیریت پسماند و به‌ویژه مدیریت رودخانه‌های شهری، در سطح بسیار پایین و نامطلوبی قرار دارد. مدیریت شهری در بخش زیرساخت‌های سبز عملکرد نسبتاً خوبی داشته است. پس از این شاخص، به ترتیب شاخص مدیریت پسماند و در انتها شاخص مدیریت رودخانه‌ها قرار دارد؛ که شاخص مدیریت رودخانه‌های شهری وضعیت بسیار بدی در میان دیگر شاخص‌ها دارد. بنابراین مدیریت شهری رشت ابتدا باید حل مشکلات رودخانه‌های شهری و بهبود شیوه دفع پسماندهای شهری را در اولویت اقدامات خود قرار دهد تا گام مهمی در راستای خلق محیطی پایدار از لحاظ زیست محیطی و سالم برای شهروندان برداشته باشد. مختاری ملک‌آبادی و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه خود به بررسی نقش و جایگاه مدیریت شهری در برندسازی شهر اصفهان پرداختند. در این مطالعه دیدگاه مدیران و شهروندان به‌صورت جداگانه در پاسخ به تاثیر نقش شهرداری‌ها، شورای شهر، اتاق بازرگانی و سایر ارگان‌ها بر توسعه برند شهر اصفهان بررسی شده و نتایج نشان دهنده آن است که دستگاه‌های مذکور، نقش اساسی در توسعه برند شهری دارند. به طوری که مدیران معتقدند ۷۷ درصد مؤلفه‌های مدیریت شهری بر توسعه برند شهری تاثیر دارند؛ همچنین شهروندان عنوان می‌کنند که مؤلفه‌های مدیریت شهری، ۹۶ درصد توسعه برند شهری را تحت تاثیر قرار داده است. لانک و مورا^۱ (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای خود شبکه‌های عابر پیاده در مرکز شهر سانتیاگو و تأثیر آنها بر زندگی شهری را مورد مطالعه قرار دادند. مرکز شهر سانتیاگو دارای یک شبکه عابر پیاده بوده که شامل خیابان‌ها، مناطق عابر پیاده و گالری‌های تجاری است و در این مطالعه این ویژگی خاص در نظر و مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج این مطالعه نشان داد که بخش مهمی از سرزندگی مرکز شهر سانتیاگو به دلیل ساختار فیزیکی و پیکربندی آن (خیابان‌ها، مناطق عابر پیاده و گالری‌های تجاری) است. همچنین، این شبکه عابر پیاده خاص باعث شده که جریان‌های متفاوتی از عابرین پیاده را به داخل بلوک‌های شهری واقع در مرکز شهر هدایت کند که در نتیجه آن نرخ‌ها یا اجاره‌های پایین در آن مکان‌ها و تنوع در خرده‌فروشی‌ها بوجود آمده و این عامل باعث به وجود آمدن تنوع اجتماعی در بین ارائه دهنده‌گان خدمات و کاربران یا بازدیدکنندگان در مرکز تاریخی شهر سانتیاگو شده است. خلیلی و نیری‌فلاح^۲ (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای به بررسی نقش شاخص‌های اجتماعی بر سرزندگی شهری و کیفیت زندگی در بین زنان شهر اصفهان پرداختند. در این مطالعه شاخص‌هایی مانند حضور جمعی افراد، استفاده ترکیبی وظایف، گوناگونی فعالیت‌ها و دیگر عناصر فیزیکی پشتیبان مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج این مطالعه که به صورت کیفی و با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختارمند انجام شده است، نشان داد با افزایش شاخص‌های سرزندگی مانند امنیت عمومی در فضاهای عمومی شهر، از طریق اقدامات موثر و خاص هر شاخص، می‌توان شاهد حضور بیشتر زنان در فضاهای عمومی بود و در نتیجه می‌توان شاهد افزایش کیفیت زندگی شهروندان و به‌ویژه زنان بود. زنگ^۳ و همکاران (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای به بررسی صریح فضایی سرزندگی شهری در دو شهر شیکاگو و ووهان پرداختند در این مطالعه برای بررسی سرزندگی شهری از چهار شاخص تراکم، زیست‌پذیری، دسترسی و تنوع استفاده شده است. نتایج این مطالعه نشان داد، شیکاگو در زمینه شاخص‌های قابلیت دسترسی و تنوع برتری دارد، در حالی که در زمینه شاخص‌های تراکم و زیست‌پذیری شهر ووهان در وضعیت بهتری قرار دارد. همچنین، آمین و مرشد (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای به بررسی وضعیت پایداری شهرهای عراق پرداختند که نتایج آنها نشان داد عوامل اقتصادی و زیربنایی توسعه شهری که وابسته به عملکرد مدیریتی هستند، نسبت به عوامل اکولوژیکی از اهمیت ویژه‌تری برخوردار هستند.

روش پژوهش

این تحقیق از نظر ماهیت از نوع تحقیقات کمی - کیفی، با توجه به هدف از نوع تحقیقات کاربردی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها، جزء تحقیقات توصیفی - تحلیلی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کارشناسان و مدیران شهری در شهر ارومیه بود. کارشناسان، شامل افرادی بوده که در ادارات و سازمان‌های مرتبط با امور شهری (شهرداری، استانداری، فرمانداری، مسکن و شهرسازی و ...) بوده و دارای پست سازمانی کارشناسی می‌باشند. همچنین، اساتید دانشگاه که در زمینه مدیریت شهری، برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی مشغول به فعالیت‌اند و دارای مطالعات مختلفی می‌باشند، جزء جامعه آماری قرار داده شدند.

1. Lunecke & Mora
2. Khalili & NayyeriFallah
3. Zeng

در این پژوهش برای تهیه اطلاعات، ابتدا از طریق روش دلفی ابعاد عملکردی مدیریت شهری مؤثر بر روند توسعه پایدار شهری ارومیه، با استفاده از نظرات خبرگان شامل اساتید دانشگاه، کارشناسان و مدیران و برنامه‌ریزان حوزه مدیریت شهری، شناسایی شد. سپس اطلاعات بدست آمده با استفاده از مدل‌سازی ساختاری-تفسیری (ISM) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این تکنیک، آثار متقابل مؤلفه‌های موردنظر تحقیق با استفاده از روش‌های مختلف و از طریق ساخت یک ماتریس مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. در ماتریس موردنظر وابستگی‌های متقابل مؤلفه‌های مورد نظر نشان داده می‌شود. لازم به توضیح است که تکنیک حاضر در زمره‌ی روش‌های نیمه کمی و اکتشافی قرار دارد (جمشیدی و عنابستانی، ۱۳۹۹: ۷). در این مطالعه تعداد ۱۵ نفر به عنوان نمونه مورد مطالعه به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. لازم به ذکر است، معیار انتخاب خبرگان، تسلط نظری، تجربه عملی و دسترسی بود. مدل ساختاری-تفسیری (ISM) متشکل از چند گام است که در ادامه تشریح شده است.

مرحله اول: پس از مطالعه ادبیات پژوهش و نظرخواهی از کارشناسان مورد نظر (خبرگان)، متغیرهای عملکرد مدیریت شهری بر پایداری شهری در شهر ارومیه شناسایی شدند. متغیرهای استخراج شده عبارت‌اند از: عامل اقتصادی، عامل زیست‌محیطی، عامل کالبدی و عامل اجتماعی - فرهنگی. **مرحله دوم:** در این مرحله پرسشنامه‌ها با هدف استخراج ارتباط عوامل شناسایی شده از مرحله قبل و سطح‌بندی آنها طراحی شد. پرسش‌های پرسشنامه به صورت «عامل... منجر به عامل... می‌شود» است. همان‌طور که گفته شد، در این مطالعه از روش ISM استفاده شده است، این روش چگونگی تأثیرگذاری هریک از عناصر را بر یکدیگر (جهت و شدت رابطه) در یک ساختار سلسله‌مراتبی مشخص می‌کند (Govindan et al., 2012: 206). لازم به توضیح است که در این مطالعه روایی پرسشنامه از طریق روش محتوایی مورد تأیید قرار گرفت. **مرحله سوم:** در این مرحله براساس اطلاعات استخراج شده از مرحله دوم، ماتریس خود تعاملی تشکیل می‌شود. در این مرحله، متغیرها به صورت دو به دو با هم بررسی می‌شوند. پاسخ‌دهنده با استفاده از نمادهای (قراردادی) ذیل به تعیین روابط متغیرها می‌پردازد: در این ماتریس چنانچه عنصر سطر i به ستون j منجر شود با حرف V ، اگر عنصر ستون j به سطر i منجر شود با حرف A ، در صورتی که این رابطه بین دو مؤلفه i و j دوطرفه باشد (یعنی عنصر سطر i به ستون j و عنصر ستون j به سطر i منجر شود) با حرف X و اگر هیچ ارتباطی بین سطر و ستون نباشد با حرف O نشان داده می‌شود. **مرحله چهارم:** در این مرحله باید ماتریس دسترسی اولیه، از طریق تبدیل نمادهای مندرج در ماتریس خودتعاملی ساختاری به اعداد صفر و یک، ساخته شود. لازم به توضیح است، روش تبدیل ماتریس خودتعاملی به یک ماتریس دسترسی اولیه از طریق تبدیل نمادهای A و O به صفر و V و X به یک می‌باشد. **مرحله پنجم:** در این مرحله ماتریس دستیابی نهایی تشکیل شد. برای این منظور با انجام دستی اصلاحات و نیز بهره‌گیری از قوانین ریاضی (به توان رساندن ماتریس)، ماتریس دستیابی اولیه سازگار می‌شود (Govindan et al., 2012: 206) برای نمونه اگر عامل ۴ به عامل ۵ منجر شود و عامل ۵ هم به عامل ۶ منجر شود، باید عامل ۴ نیز به عامل ۶ نیز منجر شود و اگر در ماتریس دستیابی این رابطه برقرار نبود، باید روابطی که از قلم افتاده است، جایگزین شود. بدین ترتیب بعضی عناصر صفر به ۱ تبدیل خواهد شد که به صورت $(*)$ نشان داده می‌شود. همان‌طور که گفته شد، در این مطالعه برای تکمیل پرسشنامه‌ها از ۱۵ متخصص استفاده شد. بنابراین با استفاده از روش مُد (براساس بیشترین فراوانی در هر درایه) ماتریس دستیابی نهایی ایجاد شد. **مرحله ششم:** در این مرحله پس از تعیین مجموعه دستیابی و مجموعه پیش‌نیاز برای هر عامل و تعیین مجموعه مشترک، سطح‌بندی عوامل انجام می‌شود. این کار با استفاده از ماتریس دستیابی انجام می‌شود. پس از تعیین مجموعه دستیابی و پیش‌نیاز برای هر عامل، عناصر مشترک در مجموعه دستیابی و پیش‌نیاز برای هر عامل شناسایی می‌شوند. در اولین جدول، عاملی بالاترین سطح را دارد که مجموعه دستیابی و عناصر مشترک آن کاملاً یکسان باشد. پس از تعیین این عامل (یا عوامل)، از جدول حذف می‌شود و با سایر عوامل باقیمانده، جدول بعدی را تشکیل می‌دهد و این کار را تا تعیین سطح تمام عوامل ادامه خواهد داشت (Hsiao et al., 2013: 133). **مرحله هفتم:** در این مرحله، مدل ISM با توجه به سطوح تعیین‌شده و ماتریس دستیابی نهایی ترسیم می‌شود. **مرحله هشتم:** در این مرحله نیز تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ - وابستگی (تجزیه و تحلیل MAC-MIC) انجام می‌شود. جمع سطری و جمع ستونی اعداد در ماتریس دستیابی نهایی برای هر عامل به ترتیب بیان‌کننده میزان نفوذ و میزان وابستگی است. با در نظر گرفتن قدرت نفوذ و وابستگی عوامل، چهار گروه از عناصر شناسایی می‌شود (الف) خودمختار: عواملی که قدرت نفوذ و وابستگی ضعیف دارند؛ (ب) وابسته: عواملی که قدرت نفوذ کم و وابستگی شدید دارند؛ (ج) متصل یا پیوندی: عواملی که قدرت نفوذ زیاد و وابستگی زیاد دارند و (د) مستقل: عواملی که قدرت نفوذ قوی، ولی وابستگی ضعیف دارند

جدول ۱. مهم ترین ابعاد عملکرد مدیریت شهری مؤثر بر روند توسعه پایدار شهر

منبع	گویه‌ها	مفاهیم
Rafieian (2008) صداقتی و فارسی (۱۳۹۵)؛ صمیمی (۱۳۹۸)؛ خلیل آبادی و همکاران (۱۳۹۷)؛ کاظمیان و همکاران (۱۳۹۰)؛ عنابستانی، عنابستانی (۱۳۹۱)	اشتغال و نظام فعالیت	عامل اقتصادی
	ارزش زمین	
	آلودگی‌های هوا، صوتی و بصری	
	نظافت و پسماند	عامل زیست‌محیطی
	فضای سبز	
	تراکم و ظرفیت قابل تحمل محله	
	پویایی و سازگاری	
	تنوع	عامل کالبدی
	دسترسی	
	خوانایی	
	هویت و تعلق خاطر مکانی	عامل اجتماعی -
	امنیت و ایمنی	فرهنگی



شکل ۱. وضعیت مناطق شهری ارومیه

قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهر ارومیه، مرکز شهرستان ارومیه و مرکز استان آذربایجان غربی بوده که در فاصله ۱۸ کیلومتری از دریاچه ارومیه در مختصات جغرافیایی ۴۵ درجه و ۴ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و ۳۷ درجه و ۳۲ دقیقه عرض شمالی از مبدا خط استوا در جلگه‌ای به طول ۷۰ کیلومتر و عرض ۳۰ کیلومتر قرار دارد. لازم به توضیح است شهر ارومیه براساس تقسیمات اداری شهرداری، شامل ۵ منطقه شهری می‌باشد. در سال ۱۳۹۵ جمعیت این شهر بالغ بر ۱۰۴۰۵۶۵ نفر بود. شهر ارومیه با مساحتی حدود ۶۰ کیلومتر مربع و مساحتی حدود ۱۰۲۵۶ کیلومتر مربع، موقعیت جغرافیایی مناسب دارد و تقریباً در میانه استان قرار دارد (شکل ۱).

یافته‌ها و بحث

شناسایی ابعاد و معیارهای عملکرد مدیریت در پایداری شهری

در این تحقیق، با بررسی ادبیات مدیریت شهری و توسعه پایدار شهری و با استفاده از تحلیل محتوایی مطالعات انجام شده در داخل و خارج از کشور، ابعاد و معیارهای مورد نظر باتوجه به هدف اصلی مطالعه شناسایی و استخراج شده است. ابعاد و شاخص‌های حاصل از بررسی ادبیات، پس از اعمال نقطه نظرات متخصصان در جدول (۱) نشان داده شده است.

ماتریس خود تعاملی ساختاری (SSIM)

پس از بررسی‌های اولیه و شناسایی ابعاد و شاخص‌های عملکرد مدیریت شهری در توسعه پایدار شهری ارومیه، در مرحله نخست ماتریس خودتعاملی (SSIM) باید ساخته و تکمیل شود. اطلاعات این ماتریس با استفاده از نظرات کارشناسان و مدیران مربوطه جمع‌آوری می‌شود. لذا، در ابتدا پرسشنامه‌ای دوطرف (ماتریس $n \times n$) با استفاده از ۱۲ شاخص طراحی و در اختیار نمونه مورد مطالعه قرار گرفته و از آن‌ها خواسته شد تا ارتباط دو به دویی شاخص‌های مورد نظر را تعیین کنند، که روش امتیاز دهی در روش تحقیق اشاره شده است. اطلاعات حاصل جمع‌بندی و ماتریس خودتعاملی ساختاری در قالب جدول (۲) تشکیل شد.

جدول ۲. ماتریس خودتعاملی ساختاری معیارهای عملکرد مدیریت در پایداری شهری

متغیر	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	C12
C1	-	A	A	O	A	O	O	A	O	O	O	V
C2	-	-	A	O	V	A	O	A	A	O	A	V
C3	-	-	-	O	V	A	O	A	O	O	O	O
C4	-	-	-	-	V	A	A	O	O	O	O	A
C5	-	-	-	-	-	O	A	A	O	O	O	A
C6	-	-	-	-	-	-	V	A	V	A	A	A
C7	-	-	-	-	-	-	-	A	O	O	O	A
C8	-	-	-	-	-	-	-	-	V	O	A	X
C9	-	-	-	-	-	-	-	-	-	O	A	A
C10	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	A	O
C11	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	V
C12	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-

ماتریس دسترسی اولیه

پس از جمع‌آوری اطلاعات از طریق تشکیل ماتریس خودتعاملی، در این مرحله باید اطلاعات موجود در ماتریس دسترسی اولیه به اطلاعات عددی و دو ارزشی (۰ و ۱) تبدیل و ماتریس دسترسی اولیه ساخته شود. در این ماتریس به جای نمادهای V, X, A و O ارقام ۱ و ۰ قرار داده شد. به عبارتی دیگر، نمادهای A و O به صفر و X و V به یک تبدیل خواهد شد. لذا، بر اساس این قواعد، ماتریس دستیابی اولیه برای شاخصه‌های مربوطه در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳. ماتریس دسترسی اولیه

متغیر	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	C12
C1	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
C2	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
C3	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
C4	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
C5	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
C6	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۱۰
C7	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰
C8	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۱
C9	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰
C10	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰
C11	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱
C12	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۱

ماتریس دسترسی نهایی

در این مرحله با دخیل کردن روابط انتقال پذیری در روابط بین متغیرها، ماتریس نهایی تشکیل شود و به عبارتی در این مرحله ماتریس اولیه سازگار خواهد شد. انتقال پذیری روابط مفهومی بین متغیرها در مدل سازی ساختاری-تفسیری یک فرض مبنایی بوده و بیانگر این است که اگر معیار A با معیار B رابطه داشته باشد و معیار B نیز با معیار C رابطه داشته باشد، آنگاه معیار A نیز باید با معیار C رابطه داشته باشد. در این مرحله تمام روابط ثانویه بین متغیرها بررسی می شود و ماتریس نهایی به شکل جدول ۴ به دست می آید. در جدول (۴)، سلول هایی که به صورت ۱* نشان داده شده همان متغیرهایی هستند که از طریق سازگار کردن ماتریس اولیه ایجاد شده اند و به عبارتی این متغیرها به صورت غیرمستقیم با متغیر دیگر در ارتباط هستند. براساس نتایج بدست آمده از ماتریس نهایی C8، C11 و C12 با میزان نفوذ ۱۰، ۱۲ و ۱۰ دارای بیشترین قدرت محرک و متغیرهای C4 و C5 با میزان نفوذ ۳ دارای کمترین قدرت محرک هستند. همچنین، براساس اطلاعات مرتبط با میزان وابستگی می توان عنوان کرد C1، C5، C4 و C12 به ترتیب با مقدار وابستگی ۱۱، ۱۱، ۹ و ۹ دارای بیشترین وابستگی بوده و کمترین میزان وابستگی متعلق به عوامل C10 و C11 با میزان وابستگی ۲ و ۱ است.

جدول ۴. ماتریس دسترسی نهایی

متغیر	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	C12	میزان نفوذ
C1	۱	۰	۰	۱*	۱*	۱*	۱*	۱*	۱*	۰	۰	۱	۸
C2	۱	۱	۰	۱*	۱*	۱*	۱*	۱*	۱*	۰	۰	۱	۹
C3	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱*	۵
C4	۱*	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳
C5	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱*	۳
C6	۱*	۱	۱	۱	۱*	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۹
C7	۱*	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۴
C8	۱	۱	۱	۱*	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱۰
C9	۱*	۱	۰	۰	۱*	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱*	۵
C10	۰	۱*	۱*	۱*	۰	۱	۱*	۱*	۱*	۱	۰	۰	۷
C11	۱*	۱	۱*	۱*	۱*	۱	۱*	۱	۱	۱	۱	۱	۱۲
C12	۱*	۱*	۱*	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱۰
میزان وابستگی	۱۱	۸	۶	۹	۱۱	۷	۸	۵	۸	۲	۱	۹	۸۵

سطح‌بندی عوامل کلیدی

در این بخش در ابتدا باید سه مجموعه دستیابی (دریافتی)، پیش‌نیاز (مقدماتی) و اشتراکی از طریق اطلاعات موجود در ماتریس دریافتی نهایی استخراج شوند. مجموع دستیابی (دریافتی) برای یک متغیر خاص، شامل خود متغیر و متغیرهایی است که آن متغیر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مجموعه پیش‌نیاز (مقدماتی) برای هر متغیر، شامل خود متغیر و دیگر متغیرهایی است که آن متغیر را تحت تأثیر قرار می‌دهند پس از مشخص شدن این دو مجموعه، عناصر مشترک در داخل هر کدام از مجموعه‌ها مشخص خواهد شد. براساس نتایج جدول ۵ متغیرهای نظافت و پسماند (C4) و فضای سبز (C5) در این مطالعه دارای بالاترین سطح در تکرار اول بوده و به عنوان سطح ۱ شاخه شده‌اند. سپس این متغیرها از سایر متغیرها جدا شده و دوباره همین روند تکرار شده تا سایر سطوح نیز مشخص شود. همان‌طور که مشخص می‌باشد متغیرهای ۱۲ گانه انتخابی در این مطالعه در تکرار ششم، سطح بندی نهایی انجام شده و به صورت کلی به ۶ سطح تقسیم شده‌اند. در جدول ۵، نتایج سطح‌بندی عناصر عملکردی مدیریت شهری موثر بر روند توسعه پایدار شهر ارومیه را نشان می‌دهد.

جدول ۵. سطح‌بندی عوامل مؤثر بر معیارهای عملکرد مدیریت در پایداری شهری

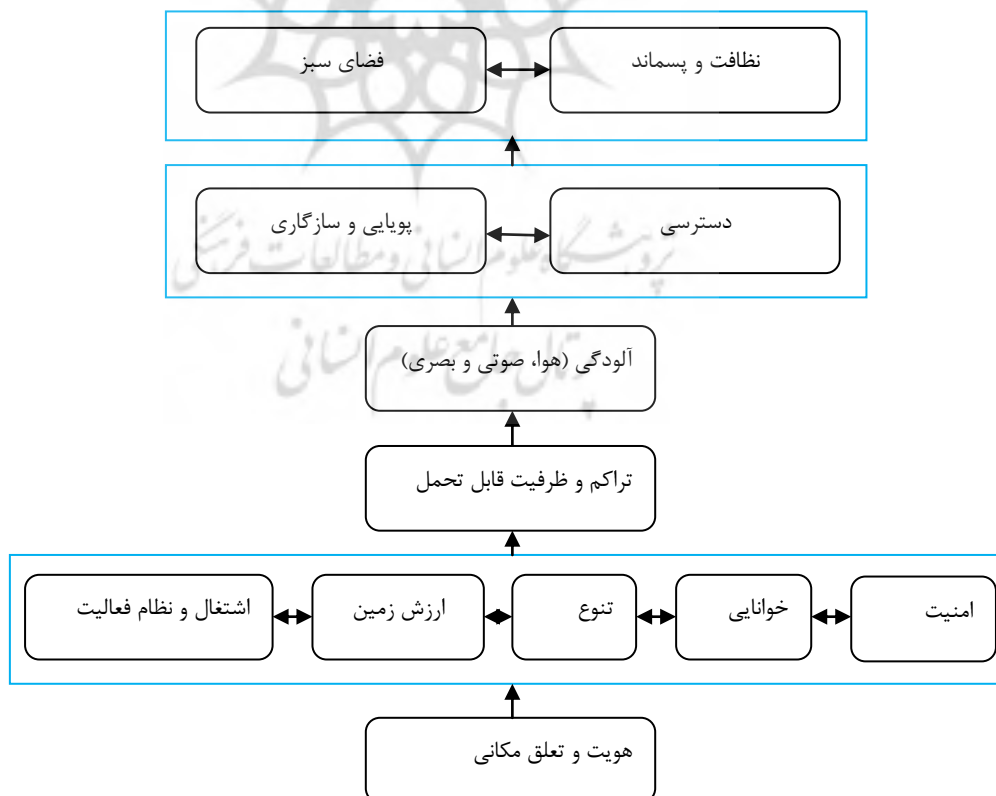
عوامل	مجموعه دستیابی	مجموعهٔ پیش‌نیاز	مجموعه مشترک	سطح	عوامل	مجموعه دستیابی	مجموعهٔ پیش‌نیاز	مجموعه مشترک	سطح
سطح اول									
C1	۱۲۹۸۷۶۵۴۱	۱۱۹۸۷۶۵۴۳۲۱ ۱۲	۱۲۹۸۷۶۵۴۱	C2	۸۶	۱۱۱۰۸۶۳	۸۶	C1	۸۶
C2	۱۲۹۸۷۶۵۴۳۱	۱۲۱۰۹۸۶۳۲	۱۲۸۶۲	C3	۳	۱۱۱۰۸۶۳	۳	C3	۳
C3	۱۲۵۳۲۱	۱۲۱۱۱۰۸۶۳	۱۲۳	C6	۶	۱۱۱۰۸۶	۶۳	C6	۶
C4	۵۴۱	۱۳۱۱۱۰۸۷۶۴۲۱	۵۴۱	C8	۸	۱۱۸	۸۶۳	C8	۸
C5	۱۲۵۱	۹۸۷۶۵۴۳۲۱ ۱۲۱۱	۱۲۵۱	C10	۱۰	۱۱۱۰	۱۰۶۳	C10	۱۰
C6	۱۲۹۷۶۵۴۳۲۱	۱۲۱۱۱۰۸۶۲۱	۱۲۶۲۱	C11	۱۱	۱۱۱۰	۱۱۱۰۸۶۳	C11	۱۱
C7	۷۵۴۱	۱۲۱۱۱۰۸۷۶۲۱	۷۱	C12	۸۶۳	۱۱۸۶۳	۸۶۳	C12	۸۶۳
C8	۱۰۹۸۷۶۵۴۳۲۱	۱۲۱۱۸۲۱	۱۲۸۲۱	سطح چهارم					
C9	۱۲۹۵۲۱	۱۲۱۱۱۰۹۸۶۲۱	۱۲۹۲۱	C1	۸۶	۱۱۸۶	۸۶	C1	۸۶
C10	۱۰۹۷۶۴۳۲	۱۱۱۰	۱۰	C2	۸۶	۱۱۱۰۸۶	۸۶	C2	۸۶
C11	۱۲۹۸۷۶۵۴۳۲۱	۱۱	۱۱	C6	۴	۱۱۱۰۸۶	۶	C6	۴
C12	۱۲۹۸۷۶۵۴۳۲۱	۱۱۹۸۶۵۳۲۱ ۱۲	۹۸۶۵۳۲۱	C8	۸	۱۱۸	۸۶	C8	۸
سطح دوم									
C1	۹۸۶	۱۱۹۸۷۶۳۲	۹۸۶	C11	۱۱	۱۱	۱۱۱۰۸۶	C11	۱۱
C2	۹۸۷۶۲	۱۱۱۰۹۸۶۳۲	۹۸۶۲	C12	۸۶	۱۱۸۶	۸۶	C12	۸۶
C3	۳۲	۱۱۱۰۸۶۳	۳	سطح پنجم					
C6	۹۷۶۳۲	۱۱۱۰۸۶۲	۶۲	C1	۵	۱۱۸	۸	C1	۵
C7	۷	۱۱۱۰۸۷۶۲	۷	C2	۵	۱۱۱۰۸	۸	C2	۵
C8	۹۸۷۶۳۲	۱۱۸۲	۸۲	C8	۵	۱۱۸	۸	C8	۵
C9	۹۲	۱۱۱۰۹۸۶۲	۹۲	C10	۵	۱۱۱۰	۱۰	C10	۵
C10	۱۰۹۷۶۳۲	۱۱۱۰	۱۰	C11	۱۱	۱۱	۱۱۱۰۸	C11	۱۱
C11	۱۱۱۰۹۸۷۶۳۲	۱۱	۱۱	C12	۵	۱۱۸	۸	C12	۵
C12	۹۸۷۶۳۲	۱۱۹۸۶۳۲	۹۸۶۳۲	سطح ششم					
سطح سوم									
C11									

در مطالعاتی که از روش ساختاری - تفسیری استفاده می‌شود، بعداز تعیین و مشخص شدن روابط بین متغیرها، می‌توان با استفاده از مدل‌های ترسیمی نحوه و سطوح روابط بین متغیرهای مورد نظر را طراحی کرد. در شکل ISM روابط متقابل و تأثیرگذاری بین متغیرها و ارتباط متغیرهای هر سطح نمایان بوده و موجب درک بهتر فضای تصمیم‌گیری می‌شود. روابط و سطوح بین متغیرها به صورت مدل ساختاری - تفسیری در شکل (۲)، نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، معیار هویت و یا به عبارتی هویت محلات و مناطق مختلف شهری در پایین‌ترین سطح (سطح ششم) قرار گرفته و این معیار همانند سنگ

زیربنایی مدل عمل می‌کنند؛ به عبارتی، در عملکرد مدیران شهری زمینه توسعه شهری و نیل پایداری می‌بایست نگاه ویژه‌ای با هویت داشته باشند. سپس معیارهای امنیت، خوانایی، تنوع، ارزش زمین و اشتغال و نظام فعالیت در سطح بعدی (سطح پنجم) قرار دارد. واضح است تمامی معیارهای یادشده از مهمترین عوامل کلیدی در عوامل مؤثر بر عملکردی مدیریت شهری در زمینه توسعه پایدار شهر ارومیه هستند، ولی عواملی که در سطح بالای مدلسازی ساختاری - تفسیری قرار گرفته‌اند، از تأثیرپذیری بیشتری برخوردارند. به عبارتی دیگر، متغیرهای سطح ۵ و ۶ می‌توانند تأثیر زیادی در عوامل سطح ۱ و ۲ داشته باشند.

تحلیل MICMAC

در ادامه با استفاده از روش MICMAC به بررسی نوع متغیرها براساس اثرگذاری و اثرپذیری بر و از سایر متغیرها پرداخته شده است. پس از تعیین قدرت نفوذ یا اثرگذاری و قدرت وابستگی هر متغیر، می‌توان تمامی متغیرهای عملکردی مدیریت شهری مؤثر بر روند توسعه پایدار شهر ارومیه را در یکی از خوشه‌های چهارگانه روش ماتریس اثر متغیرها طبقه‌بندی نمود. نتایج تحلیل میک‌مک نشان داد که ۱۲ عامل عملکردی مدیریت شهری مؤثر بر توسعه پایدار شهری ارومیه از بُعد قدرت نفوذپذیری و وابستگی به چهار دسته عوامل مستقل، وابسته، پیوندی، مستقل (کلیدی) تقسیم می‌شود. به طوری که C3 (آلودگی هوا، صوتی و بصری) جزء متغیرهای مستقل است که قدرت نفوذ و وابستگی ضعیفی دارد. این متغیر نسبتاً غیرمتصل به سیستم هستند و دارای ارتباطات کم و ضعیف‌ها سیستم هستند. عامل‌های C9 (دسترسی)، C7 (پویایی و سازگاری)، C4 (نظافت و پسماند) و C5 (فضای سبز) جزء متغیرهای وابسته می‌باشند که برای ایجاد این متغیرها عوامل زیادی دخالت دارند و خود آنها کمتر می‌توانند زمینه‌ساز متغیرهای دیگر شوند. عامل‌های C1 (اشتغال و نظامندی فعالیت‌ها)، C12 (امنیت)، C2 (ارزش زمین) و C6 (تراکم و ظرفیت قابل تحمل) جزء متغیرهای پیوندی هستند که از قدرت نفوذ، توان و وابستگی بالایی برخوردارند. به نحوی که هر گونه عملی بر روی این متغیرها باعث تغییر سایر متغیرها می‌شود. عامل C10 (خوانایی) جز متغیرهای مستقل کلیدی می‌باشد. که دارای قدرت نفوذ زیاد و وابستگی کمتری می‌باشد. همچنین، تأثیر بالایی بر عملکرد مدیریت شهری در زمینه توسعه پایدار شهری ارومیه دارند. در شکل (۳)، نوع متغیرها با توجه به اثرگذاری و اثرپذیری بهر سایر متغیرها با استفاده از روش MICMAC قابل مشاهده است.



شکل ۲. مدل ساختاری تفسیری اثرگذاری ابعاد عملکرد مدیریت شهری بر پایداری شهری

میزان نفوذ	۱۲	۱۱	متغیرهای تأثیرگذار						متغیرهای پیوندی			
	۱۱											
	۱۰				۸				۱۲			
	۹						۶	۲				
	۸										۱	
	۷		۱۰			چهارم	سوم					
	۶			متغیرهای مستقل				دوم		متغیرهای تأثیرپذیر		
	۵					۳		۹				
	۴							۷				
	۳								۴		۵	
	۲											
	۱	اول					دوم					
		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
میزان وابستگی												

شکل ۳. سطح بندی عوامل مؤثر بر معیارهای عملکرد مدیریت در پایداری شهری ارومیه با استفاده از روش MICMAC

نتیجه گیری

تاریخچه بررسی روند تکاملی نظریات مرتبط با مدیریت و برنامه‌ریزی شهری نشان می‌دهد که با افزایش جمعیت در سکونتگاه‌های شهری و ایجاد تنوع هم در فعالیت‌های افراد مورد نظر و هم در جمعیت شهرها، باعث به وجود آمدن فضاهای متفاوتی در سکونتگاه‌های شهری و حتی ایجاد تحولات مختلف کالبدی را نیز در بر داشته است. این عوامل به صورت باعث شده که مدیریت شهری از حالت خودبه‌خودی و ارگانیک خود در دوران پیش از انقلاب صنعتی کم کم به سمت توسعه و پیشرفت میل داشته و به عبارتی دیگر، مدیریت شهری به عنوان فرایند برعهده گرفتن نقشی فعال در توسعه مدیریت و هماهنگ‌سازی منابع برای دستیابی به توسعه شهری تعریف شده است. ماهیت مدیریت در شهر مستلزم دارا بودن اطلاعات جامعی در زمینه‌های برنامه‌ریزی، سازماندهی، نظارت و کنترل است. بدیهی است رشد و توسعه متوازن نقاط شهری در گرو مطالعه و شناخت شهر، تحلیل واقعی از میزان نیازها و توانمندی‌ها است، به همین منظور (صمیمی، ۱۳۸۹: ۹۲) دانش مدیریت شهری امروزه با هدف توسعه پایدار در شهرها بیش از پیش مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین مدیریت شهری می‌تواند با اقدامات و برنامه‌های مؤثر در فضای شهری باعث توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و در نهایت توسعه پایدار شود. بنابراین، براساس موارد گفته شده می‌توان گفت هدف اصلی این مطالعه اثرگذاری عملکرد مدیریت شهری بر پایداری و شهری ارومیه براساس مدل ساختاری - تفسیری می‌باشد. نتایج این مطالعه نشان داد که سه عامل هویت و تعلق خاطر مکانی، تنوع و امنیت و ایمنی به ترتیب با میزان قدرت نفوذ ۱۲، ۱۰ و ۱۰ بیشترین تأثیر و معیارهای دسترسی، آلودگی‌های هوا، صوتی و بصری، نظافت و پسماند و فضای سبز کمترین تأثیر را در زمینه عملکرد مدیریت شهری در زمینه توسعه پایدار شهری داشته‌اند. یافته‌های دیگر پژوهش با استفاده از تحلیل MICMAC حاکی از آن است که متغیرهای پویایی و سازگاری، دسترسی، نظافت و پسماند و فضای سبز بیشتر تحت تأثیر سایر عوامل بوده و از نظر سیستمی در زمره عناصری بوده که سایر عناصر اثر گرفته و به عبارتی اثرپذیر یا وابسته هستند. به عبارت دیگر، در ایجاد این متغیر عوامل زیادی دخالت دارند و خود آنها کمتر می‌توانند در متغیرهای دیگر تأثیرگذار شوند. متغیرهایی همچون آلودگی‌های هوا، صوتی و بصری در گروه متغیرهای خودمختار یا مستقل قرار گرفتند و می‌توان گفت این متغیرها از سایر متغیرها در زمینه هدف مورد مطالعه مستقل می‌باشند. متغیرهای اشتغال و نظام فعالیت، ارزش زمین، تراکم و ظرفیت قابل تحمل محله و امنیت و ایمنی در زمره متغیرهای پیوندی برای تعیین‌کنندگی عملکرد مدیریت شهری در مسیر توسعه پایدار قرار گرفتند. در این مورد می‌توان گفت، متغیرهای پیوندی نسبتاً تأثیرگذار و تأثیرپذیر بوده و پتانسیل تبدیل به متغیرهای تأثیرگذار را دارند و با برنامه‌ریزی مناسب می‌توان وابستگی آنها را اصلاح نمود. متغیرهای هویت و تعلق خاطر مکانی، خوانایی و تنوع به عنوان متغیرهای تأثیرگذار شناخته شده و بیشترین تأثیرگذاری را بر عملکرد مدیریت شهری در زمینه توسعه پایدار داشته و از قدرت نفوذ بالا و وابستگی پایینی برخوردار هستند. به عبارتی دیگر، متغیرهایی که قدرت نفوذ بالایی دارند، آنها را متغیرهای کلیدی می‌نامند،

زیرا هرگونه عملی بر روی این متغیرها باعث تغییر در سایر متغیرها خواهد شد. پس می‌توان گفت هرگونه برنامه‌ریزی اقدام در جهت توسعه شهری و نیل به پایداری آن باید توجه خاصی به عوامل کلیدی و نقش اساسی آنها نمود. بر این اساس نتایج بدست آمده در زمینه متغیرهای کلیدی با نتایج مطالعات عنابستانی و عنابستانی (۱۳۹۱)، صداقتی و فارسی (۱۳۹۵)، نصرالهی (۱۳۹۷)، صمیمی (۱۳۹۸)، خلیلی و نیری‌فلاح (۲۰۱۸) و زنگ و همکاران (۲۰۱۸) همخوانی دارد. به صورت کلی براساس نتایج بدست آمده، پیشنهادهای زیر را در زمینه تأثیرگذار هرچه بیشتر عملکرد مدیریت شهری بر توسعه پایدار در شهر ارومیه می‌توان ارائه نمود:

- توجه خاص و ویژه مدیران شهری به همیت مکانی در مکنتاط مختلف شهری ارومیه؛
- بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری ارومیه و استفاده بهینه از آن در راستای تأمین امیت اجتماعی ساکنان؛
- حضور و مشارکت واقعی و همه جانبه مردم و شهروندان در سرنوشت شهر و فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نظام شهری.

تقدیر و تشکر

این مقاله مستخرج از رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری بوده که در گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز از آن دفاع شده است.

منابع

- بدیعی، لیلا، عزت‌پناه و سلطانی، علیرضا (۱۳۹۸). تبیین و تحلیل توسعه پایدار شهری با تأکید بر مؤلفه‌های محیطی (مطالعه موردی: شهر سمنجان). پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۰(۳۶)، ۷۵-۸۶.
[doi: 20.1001.1.22285229.1398.10.36.6.8](https://doi.org/10.1001.1.22285229.1398.10.36.6.8)
- توکلی‌نیا، جمیله؛ ایمانی جاجرمی، حسین و یدالنهیا، حسین. (۱۴۰۰). تحلیل جایگاه حکمروایی خوب در عملکرد مدیریت شهری (مطالعه موردی: شهر بابل). آمایش محیط، ۱۴(۵۳): ۸۵-۱۰۸.
[doi: 20.1001.1.2676783.1400.14.53.5.1](https://doi.org/10.1001.1.2676783.1400.14.53.5.1)
- جمشیدی، علیرضا و عنابستانی، علی اکبر. (۱۳۹۹). الگوی ساختاری-تفسیری عوامل تأثیرگذار بر توسعه‌ی تاب‌آوری روستاییان غرب دریاچه ارومیه در برابر تغییر اقلیم (با تأکید بر خشک‌سالی). مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ۱۱(۴۲)، ۱-۲۲.
https://jargs.hsu.ac.ir/article_161528.html
- خستو، مریم و سعیدی رضوانی، نوید. (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر سرزندگی فضاهای شهری، خلق یک فضای شهری سرزنده با تکیه بر مفهوم مرکز خرید پیاده. هویت شهر، ۴(۶)، ۷۴-۶.
- خلیل‌آبادی، حسن؛ شاهمرادی قهه، سوادبه و خانی‌زاده، محمدعلی. (۱۳۹۷). تأثیر عملکرد مدیریت شهری بر ارتقای کیفیت زندگی شهروندان (نمونه موردی: شهر جدید بهارستان). انسان و محیط زیست، ۵۴(۱)، ۹۳-۱۰۹.
<https://sanad.iau.ir/Journal/he/Article/848467/FullText>
- خوارزمی، امیدعلی؛ قاسم‌زاده، راضیه و پیرزاده، زهره. (۱۴۰۱). مدل‌سازی تأثیرگذاری اقدامات مدیریت شهری بر زیست‌پذیری شهر مشهد (نمونه موردی: ۹۰ و ۹۱). جغرافیای اجتماعی شهری، ۱۹(۱)، ۹۷-۱۱۹.
[doi: 10.22103/JUSG.2022.2064](https://doi.org/10.22103/JUSG.2022.2064)
- دویران، اسماعیل؛ کاظمیان، غلامرضا؛ مشکینی، ابوالفضل؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و کلهرنیا، بیژن. (۱۳۹۱). مدیریت یکپارچه شهری در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی شهرهای میانی ایران؛ مورد پژوهی: زنجان و همدان. مدیریت شهری، ۳۰(۲)، ۵۳-۶۸.
<http://ijurm.imo.org.ir/article-1-77-fa.html>
- زندیه، الناز. (۱۳۹۶). بررسی عملکرد شهرداری‌ها در چارچوب رویکرد حکمروایی خوب شهری نمونه موردی: شهرداری شهر ملایر. آمایش محیط، ۱۰(۳۹)، ۵۹-۷۶.
<https://sanad.iau.ir/Journal/ebtp/Article/986775>
- سالاری‌پور، علی‌اکبر؛ حمیدی، آرمان؛ صبوری، حمیدرضا و ساداتی، عاطفه. (۱۴۰۱). ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در تحقق توسعه پایدار زیست‌محیطی از دیدگاه شهروندان (موردپژوهی: شهر رشت). معماری و شهرسازی پایدار، ۱۰(۱)، ۱۰۷-۱۲۲.
[doi:10.22061/jsaud.2022.8131.1917](https://doi.org/10.22061/jsaud.2022.8131.1917)
- سالاری‌مقدم، زهرا؛ زیاری، کرامت‌الله و حاتمی‌نژاد، حسین. (۱۳۹۸). سنجش و ارزیابی زیست‌پذیری محلات شهری مطالعه موردی: منطقه ۱۵ کلانشهر تهران. فصلنامه شهر پایدار، ۲(۳)، ۴۱-۵۸.
[doi: 10.22034/JSC.2019.195019.1073](https://doi.org/10.22034/JSC.2019.195019.1073)
- سعیدرضوانی، نوید؛ مجید، عبدالهی؛ ایازی، سیدمحمدهادی؛ نودرپور، علی؛ ایمانی جاجرمی، حسین؛ کاظمیان، غلامرضا؛ صالحی، اسماعیل. (۱۳۹۲). مدیریت شهری؛ بررسی تطبیقی نظام مدیریت شهری در کشورهای نمونه. جلد سوم، تهران: انتشارات تیسرا.
- سعیدنیا، احمد. (۱۳۸۲). مدیریت شهری. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- شمس‌الدینی، علی؛ سنایی‌مقدم، سروش؛ بلاغی، سول و رضایی، میثم. (۱۳۹۶). سنجش میزان رضایتمندی شهروندان از عملکرد شهرداری و ارزیابی عوامل فردی، اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهر دهشت). پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۳۰(۳)، ۱۸۵-۲۰۴.

dor: 20.1001.1.22285229.1396.8.30.11.7

صداقتی، عاطفه و فارسی، جواد. (۱۳۹۵). طیف‌سنجی سرزندگی در بافت‌ها و محلات شهری با تلفیق رویکردهای توسعه‌ی پایدار، رشد هوشمند و نوشهرگرایی و کاربرد مدل الکترون (نمونه موردی: محلات شهر مرودشت). *جغرافیا و توسعه*، ۴۴ (۱)، ۲۵۴-۲۳۹.

doi:10.22111/GDIJ.2016.2743

صمیمی، محمدرضا. (۱۳۸۹). نقش مدیریت در پایداری اقتصادی و اجتماعی نواحی شهری؛ مطالعه موردی: شهر ساحلی نور. *مدیریت شهری*، ۹۱-۹۸ (۱)، ۲۵.

عبدی، کمیل؛ جعفری مهرآبادی، مریم؛ صفایی رینه، مصطفی و اللهیاری، شمیل. (۱۳۹۸). سنجش رضایتمندی شهروندان از عملکرد شهرداری با رویکرد حکمروایی خوب شهری (مطالعه موردی: شهر کیاسر). *آمایش محیط*، ۱۲ (۴۵)، ۱۶۶-۱۳۹.

عزیزی، محمدمهدی. (۱۳۸۵). محله مسکونی پایدار (نارمک). *هنرهای زیبا*، ۲۷ (۱)، ۴۶-۳۵.

علیزاده، هادی؛ نعمتی، مرتضی و رضایی جعفری، کامران. (۱۳۹۴). تحلیلی بر معیارهای حکمرانی خوب شهری با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی فازی. *مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه‌ای*، ۶ (۲۴)، ۱۲۸-۱۰۵. https://urs.ui.ac.ir/article_20118.html

عنابستانی، علی و اکبر عنابستانی، زهرا. (۱۳۹۱). تأثیر عملکرد مدیریت شهری بر ارتقا کیفیت زندگی شهروندان (مطالعه موردی: شهر جدید گلبهار). *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۴ (۴)، ۳۴-۲۳. <https://sanad.iau.ir/fa/Journal/jisds/Article/821517>

فروغیان، مریم. (۱۳۸۸). نقد و معرفی کتاب مبانی توسعه پایدار شهری. *کتاب ماه علوم اجتماعی*، ۲۰ (۱)، ۴۳-۴۰.

کابلی فرشچی، سیدامیر. (۱۳۹۲). بررسی جایگاه مرکز محله در شکل‌گیری محله‌ای پایدار با استفاده از روش AHP (نمونه موردی: محله سرشور مشهد). *همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار*، مشهد.

کاظمیان، غلامرضا؛ مشکینی، ابوالفضل و بیگلری، شادی. (۱۳۹۰). ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در پایداری محله‌ای ناحیه دو شهرداری منطقه ۴ تهران (محله‌های مجیدیه، شمس آباد و کالاد). *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۱۸ (۲۱)، ۲۸-۷.

<http://jgs.khu.ac.ir/article-1-601-fa.html>

لطفی، حیدر؛ عدالتخواه، فرداد؛ میرزایی، مینو و وزیرپور، شببو. (۱۳۸۸). مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقاء حقوق شهروندان. *جغرافیای انسانی*، ۱۱۰-۱۰۱ (۱)، ۲.

محمدی ده‌چشمه، پژمان. (۱۴۰۰). بررسی نقش استراتژی‌های توسعه پایدار شهری در مناطق کوهستانی (مورد مطالعه: شهرکرد). *مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی*، ۲ (۳)، ۱۲۱-۱۰۷. doi:10.52547/gsma.2.3.107

محمدی‌فر، مجید و علوی نسب، سیدهاشم. (۱۳۹۳). نقش مدیریت شهری در توسعه پایدار گردشگری شهری (نمونه مورد مطالعه: شهر مشهد). *ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی*.

مختاری ملک‌آبادی، رضا؛ غفاری، سید رامین و لازابی، مریم. (۱۴۰۱). بررسی نقش و جایگاه مدیریت شهری در برندسازی شهری (مورد مطالعه: شهر اصفهان). *برنامه ریزی فضایی*، ۱۲ (۳)، ۴۶-۲۵.

مرادی مکر، سیاوش و حیدری کیا، مریم. (۱۳۹۷). تحلیل مدیریت شهری و نقش آن در توسعه پایدار شهری؛ مطالعه موردی شهر اسدآباد. *مجله جغرافیا و روابط انسانی*، ۱۱ (۱)، ۹۸-۹۸. dor: 20.1001.1.26453851.1397.1.1.8.9

نصراللهی، محمود (۱۳۹۷). نقش مدیریت شهری در توسعه پایدار شهری با تأکید بر جایگاه شهرداری‌ها. *دومین همایش بین‌المللی مدیریت حسابداری، اقتصاد و علوم اجتماعی*، همدان، دبیرخانه دائمی کنفرانس.

Ameen, R. F. M., & Mourshed, M. (2019). Urban sustainability assessment framework development: The ranking and weighting of sustainability indicators using analytic hierarchy process. *Sustainable Cities and Society*, 44, 356-366. doi.org/10.1016/j.scs.2018.10.020

Dijk, V., & Pieter, M. (2006). *Managing Cities in Developing Countries: The theory and practice of urban management*. Edward Elgar Publishing.

Govindan, K., Palaniappan, M., Zhu, Q., Kannan, D. (2012). Analysis of third-party reverse logistics provider using interpretive structural modeling. *International Journal Production Economics*, 140, 204- 211. doi:10.1016/j.ijpe.2012.01.043

Haughton, G., & Hunter, C. (2005). *Sustainable Cities*. Published in Taylor & Francis e-Library.

Hsiao, S-W., Ko, Y-C., Lo, C-H., & Chen, S-H. (2013). An ISM, DEI, and bade-ANP approach for product family development. *Advanced Engineering Informatics*, 27, 131- 148. doi.org/10.1016/j.aei.2012.10.008

Khalili, A., & NayeriFallah, S. (2018). Role of social indicators on vitality parameter to enhance the quality of women's communal life within an urban public space (case: Isfahan's traditional bazaar, Iran). *Frontiers of Architectural Research*, 7(3), 440-454. doi.org/10.1016/j.foar.2018.06.001

Lunecke, M. G. H., & Mora, R. (2017). The layered city: pedestrian networks in downtown Santiago and their impact on urban vitality. *Journal of Urban Design*, 23(1), 1-18. doi:10.1080/13574809.2017.1369869

- Rafieian, H., Islami, S.G., & Houdsony, H. (2008). People's Perception of the Participatory Process of Development in Jolfa Mahalla. *Humanities*, 15(1), 55-68. [doi: 20.1001.1.25382640.2008.15.1.5.7](https://doi.org/10.1001.1.25382640.2008.15.1.5.7)
- Shayan, S., Kim, K. P., Ma, T., & Nguyen, T. H. D. (2020). The first two decades of smart city research from a risk perspective. *Sustainability*, 12(21), 9280. [doi:10.3390/su12219280](https://doi.org/10.3390/su12219280)
- Warfield, J.W. (1974). Developing interconnected matrixes in structural modeling. *IEEE Transcript on Systems, Men and Cybernetics*, 4, 51-81. [doi:10.1109/TSMC.1974.5408524](https://doi.org/10.1109/TSMC.1974.5408524)
- Willis, M. (2006). Sustainability: The issue of our Age, And a Concern for Local Government. *public Management*, 88, 8-12.
- Zeng, C., Song, Y., He, Q., & Shen, F. (2018). Spatially explicit assessment on urban vitality: Case studies in Chicago and Wuhan. *Sustainable Cities & Society*, 40(5), 296-306. [doi:10.1016/j.scs.2018.04.021](https://doi.org/10.1016/j.scs.2018.04.021)



How to cite this article:

Dadashpour, D., Ahmadzadeh, H., & Valizadeh, R. (2025). Structural-Interpretive Modeling of the Impact of Urban Management Performance Dimensions on Urban Sustainability (Case Study: Urmia City). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 19(4), 45-59.

ارجا به این مقاله:

داداش پور، رضا؛ احمدزاده، حسن و ولی زاده، رضا. (۱۴۰۳). مدلسازی ساختاری - تفسیری اثرگذاری ابعاد عملکرد مدیریت شهری بر پایداری شهری: (مطالعه موردی: شهر ارومیه). فصلنامه مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی، ۱۹ (۴)، ۴۵-۵۹.

فصلنامه علمی

مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی